

مسجد سپهسالار و وقایعی که در آن روی داده است

نگارش: مسعود برزین

سال‌هاست که ساکنین اطراف میدان بهارستان به صدای زنگ ساعتی عادت نموده‌اند و چه بسا از ایشان که از ابتیاع ساعت جداگانه برای منازل خود مستغنی می‌باشند زیرا زنگ ساعت مسجد و مدرسه عالی سپهسالار بسیار منظم و مرتب است. بانی مسجد سپهسالار مرحوم حاجی میرزا حسین خان سپهسالار است که ساختمان این بنای با عظمت را در سال ۱۲۹۶ هجری مطابق با ۱۸۷۸ میلادی آغاز نهاد و هنوز پی‌ریزی‌های مقدماتی آن را به پایان نرسانده بود که والی خراسان شد در نتیجه بدان صوب عزیمت نمود و متأسفانه پس از چند سال بدرود زندگی گفت و موقتاً کار ساختمان به تعویق افتاد.

اما برادر سپهسالار که در آن زمان وزیر عدلیه و به یحیی خان مشیرالدوله موسوم بود عمل خیر او را دنبال کرد و در نتیجه ساختمان مدرسه در سال ۱۳۰۲ یعنی هشت سال پس از آغاز خاتمه پذیرفت.

مع الوصف مرحوم مشیرالدوله از پای ننشست و تا هفت سال دیگر که در قید حیات بود به تکمیل و تزئین این ساختمان همت گمارد.

به مجرد پایان سلطنت محمد علی شاه مسجد سپهسالار مدرسه نشین شد و از آن زمان تاکنون عده زیادی از طلاب علوم دینی در آن مشغول تحصیل بوده‌اند.

هر ماهه نیز مبلغ معینی که به تعداد طلاب و بودجه سالیانه مدرسه بستگی داشته

است دریافت می‌داشتند فعلاً چهل طلبه در مدرسه سپهسالار شبانه روزی هستند ولی شانزده هزار ریال که به ایشان پرداخت می‌گردد یگانه کمک مالی آن مدرسه به طلاب نیست، زیرا علاوه از این مبلغ هر ماهه چهل هزار ریال هم به عنوان کمک هزینه به دانشجویان دانشکده معقول و منقول پرداخته می‌شود.

دوره اول مدرسه عالی سپهسالار مهم‌ترین ادوار آن به شمار می‌رود و طلاب آن که اکثراً از آذربایجان می‌باشند اکنون طبقه علمای اعلام و طراز اول ایران را تشکیل می‌دهند از دوره‌های لاحق آن نیز علمای بزرگی پا به عالم اسلام گذارده‌اند ولی در صورتی که نسبت گرفته شود همان طور که گفتیم مزیت و رجحان با دوره نخست می‌باشد.

هنگامی که از طلاب مدرسه عالی سپهسالار صحبت می‌کنیم شایسته است که از مدرسین آن نیز ذکری رفته باشد.

علمی که در این مدرسه عالی تدریس می‌شود به طور کلی به دو رشته معقول و منقول منقسم است.

مدرسین معروف معقول عبارت بوده‌اند از آقای میرزا هاشم گیلانی، آقای تنکابنی، آقا میرزا حسن کرمانشاهی، آقا میرزا مهدی آشتیانی و در رشته منقول حاج شیخ عبدالنبی، مرحوم مدرس معروف و مرحوم حاج شیخ محمد حسین یزدی که کلیه ایشان در علوم دینی به درجه اجتهاد رسیده و از علمای طراز اول به شمار می‌رفتند تا قبل از سلطنت اعلی حضرت پادشاه فقید مسجد سپهسالار مختص طلاب بود ولی از سال ۱۳۱۳ بر حسب قانون تأسیس دانشگاه که در هشتم خرداد همان سال به تصویب رسیده بود مدرسه سپهسالار مقر دانشکده معقول و منقول قرار داده شد.

پس از تدوین نظامنامه‌های مربوطه در روز ۲۷ خرداد ۱۲۱۳ رسماً دانشکده معقول و منقول افتتاح گردید.

وقایع مهمی که در مدرسه روی داده

در دوران سلطنت محمد علی شاه مسجد سپهسالار محلی بود که مشروطه طلبان در آن اجتماع می‌کردند و در خفا جلسات سری خود را تشکیل می‌دادند ولی چون

مخالفت زمامداران وقت با مشروطه علناً مشهود گردیده، این ملاقات‌های مخفیانه نیز آشکارا صورت گرفت و روزی رسید که انجمن‌های مشروطه خواه تابلوهای خود را از در حجرات مسجد آویختند و علناً بر ضد مستبدین مبارزه نمودند.

در آن زمان ناطقین معروفی چون ملک‌المتکلمین، سید جمال‌الدین اصفهانی و آقا شیخ علی زرنندی معروف به ناطق‌المله مردم را به مشروطه خواهی تشویق و تشجیع می‌کردند و انجمن آذربایجان در رأس کلیه انجمن‌های سری به مبارزه برخاسته بود.

متأسفانه این مبارزات دیری نپایید زیرا روزی که مجلس به توپ بسته شد عده زیادی قزاق به مسجد سپهسالار ریختند و آزادی خواهان برای فرار از چنگال ایشان مسجد را که تا به آن روز در آن متحصن بودند ترک گفتند. در این وقت به دستور پاره مقامات مسجد هم به توپ بسته شد و اگر چه گنبد بزرگ آن در چندین نقطه سوراخ گردید ولی از هم نپاشید. سیلاخورها پس از اشغال کلیه حجرات مسجد قصد غارت کتابخانه معتبر آن را داشتند اما پس از وساطت نایب‌التولیه وقت محمد علی شاه به لیاخوف دست خطی صادر و امر اکید در عدم دخول سیلاخورها به کتابخانه دادند. عصر همان روز کتابخانه و کلیه حجرات مسجد سپهسالار از طرف نیروهای اشغال کننده مهر و موم شد و این وضع تا یک سال که عواید مسجد صرفاً صرف تعمیر و مرمت خراب کاری‌های حاصله از روز بمباردمان می‌گردید ادامه داشت.

یکی دیگر از وقایع قابل‌ذکری که در مسجد سپهسالار روی داده تشریف‌فرمایی رسمی احمد شاه بود زیرا قبل از تاج‌گذاری آن سلطان علماء اعلام وقت تشریف حاصل کرده و تقاضا نمودند که شاه در روز تاج‌گذاری قبل از ادای سوگند در مجلس شورای ملی به مسجد تشریف برده و نماز بگذارند.

در نتیجه روز قبل از حضور احمد شاه مسجد سپهسالار به (وستادهل) رئیس شهربانی وقت تحویل شد و کلیه اقدامات لازمه به عمل آمده و صحن و شبستان آن را به بهترین نحوی تزیین کردند.

به علاوه یک درِ خروجی هم برای عبور از دیوار شمالی مسجد به باغ جنوبی مجلس شورای ملی باز شد.

در آن روز احمد شاه در حالی که ده نفر از علمای طراز اول در رکاب معظم له بودند با لباس رسمی به مسجد رفت و در شبستان آن دو رکعت نماز گذارد و در حیاط مدرسه آقای ظهیرالاسلام نایب التولیه وقت که فعلاً نیز نیابت تولیت مسجد سپهسالار را دارند نطقی ایراد کردند و آن گاه شاه به مجلس رفتند.

وقایع دیگری نیز در مدرسه عالی سپهسالار روی داده است که برای پرهیز از طول کلام از ذکر آنها خودداری می‌شود.

مرحوم سپهسالار بزرگ بانی این مدرسه چندین پارچه از املاک اختصاصی خویش را برای صرف هزینه‌های مربوط به مسجد وقف کرد و سپس قسمتی از مستغلات شهری خود را هم بدان افزود.

ولی موقوفات مسجد سپهسالار به همین جا خاتمه نمی‌یابد زیرا پس از سپهسالار بعضی از نیک خواهان از ملک یا خانه وقف آن کرده‌اند.

در آمد کنونی مسجد سپهسالار یعنی بودجه سالیانه آن یک میلیون و هشتصد هزار ریال است و از طرف وزارت فرهنگ نیز مبلغی برابر با دویست و چهل هزار ریال به عنوان دانشکده معقول و منقول به مدرسه تحویل می‌گردد.

از مبلغ کل این دو رقم هر ساله چهار صد و هشتاد هزار ریال به دانشکده معقول و منقول پرداخت می‌گردید و بقیه نیز به تعمیرات لازمه و کمک هزینه طلاب اختصاص دارد.

چهارم - نایب التولیه‌ها - مدتی اداره امور مسجد سپهسالار با دربار بود و نتیجه نایبان تولیت و یا امامان آن از طرف پادشاه وقت تعیین می‌شدند.

نایبان تولیت مسجد سپهسالار تا امروز به این ترتیب بوده‌اند.

در زمان ناصرالدین شاه - امین همایون. در زمان مظفرالدین شاه - موثق‌الملک.

در زمان محمد علی شاه - آقای ظهیرالاسلام. در زمان احمد شاه یعنی در موقعی

که نیابت سلطنت با عضدالملک و ناصرالملک بود نیابت تولیت را آقای عضدالملک داشت و بعد به حاج صدرالدوله عضدالملک (فرزند عضدالملک بزرگ) شیخ محمد

ابن شیخ و آقای ظهیرالاسلام رسید.

در دوران سلطنت اعلیٰ حضرت پادشاه فقید رضا شاه پهلوی نخست با مرحوم مدرس و سپس با مستشارالدوله ولی بعداً کلیه امور مربوط به مدرسه عالی و مسجد سپهسالار بر عهده وزارت فرهنگ گذارده شد و البته وزرای معارف وقت نیابت تولیت را عهده دار بودند.

در این چند سال اخیر بر حسب دستور مطاج اعلیٰ حضرت محمد رضا شاه پهلوی نیابت تولیت به آقای صدرالاشراف نخست وزیر اسبق تفویض گردید و پس از ایشان مدتی است آقای ظهیرالاسلام نایب التولیه مدرسه عالی سپهسالار می‌باشند لازم به تذکر است که با صدور فرمان شاهانه آقای ظهیرالاسلام چهارمین مرتبه‌ای است که در این نیم قرن اخیر نیابت تولیت را عهده دار گردیده‌اند.

مرحوم حاج میرزا حسین خان سپهسالار با قصد به ایجاد مسجد و مدرسه بزرگ در دوران حیات خویش تعداد زیادی کتب مختلفه که شماره آن را اعم از خطی یا چاپی علاوه از سه هزار مجلد می‌دانند تهیه نموده و وقف کرد پوشیده نماند که مرحوم شاهزاده اعتضادالسلطنه که در زمان سپهسالار وزارت فرهنگ را عهده دار بود در تهیه و خریداری و تدوین این کتب زحمات زیادی متحمل گشت و از این راه خدمتی فراموش نشدنی به عالم معارف ایران نمود.

پس از مرحوم سپهسالار به مرور زمان بر تعداد کتب کتابخانه افزوده گردید و اکنون کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار از نفیس‌ترین کتابخانه‌های ایران به شمار می‌رود.^(۱)

۱- توضیح: قسمتی از مطالب این مقاله از مجله دانشکده معقول و منقول استنساخ شده است.

روزگار يك اهل قلم در دوره قاجار

است و همگی در دیجیع‌الثنائی ۱۲۹۱ ق. هجری نوشته شده است .
 گرچه نویسنده هرگز از خود نام نمی‌برد ، لیکن در سرگذشتنامه او در رساله اول که خود عریضه‌نویست به میرزا حسین خان سپهسالار ، میرتوان یقین نمود که این رسالات از میرزا ابراهیم خان نواب بدایع نگار (۲) می‌باشد ، که از ادبیا و فضلائی دوره قاجار است و در دستگاه دیوان مسئولیت های بزرگی را مهده دار بوده است .
 یقین ما درباره هویت نویسنده رسالات از چند جهت است : نخست اینکه صاحب عریضه در صفحات گوناگون از ارتباط خویش با خانواده نواب یاد می‌کند . مثلا از «مرحوم نواب» و اختلاف او با حاجی میرزا قاسی برسر ملك و املاك ، مشاجرهایش

رساله هائی (۱) که در صفحات زیر انتشار می‌یابد از اسناد با ارزش دوره قاجار بشمار می‌آید . نویسنده که روزگار حاجی میرزا آقاسی ، میرزا تقی خان امیرکبیر ، میرزا آقاخان نوری ، میرزا یوسف خان مستوفی-الممالک ، و میرزا حسین خان سپهسالار را درك کرده است ، اطلاعات آروزنده و نویسی از نظر اجتماعی و اقتصادی در اختیار خواننده می‌نهد و جمله ایران و رجال دوره را از دیدگاهی خاص می‌سنجد و انتقاد می‌کند .
 این نوشته ها شامل چهار رساله است . رساله اول سرگذشت و نابسامانی های خود مولف است . دوم «کتابچه مفاصل و مساجر» (۲) می‌باشد . سوم رساله «اسکناس» و چهارم رساله مختصری در باب نابسامانی تمدنی قرب است . سبک هر چهار رساله یکی

- ۱- «رساله های اقتصادی» مجموعه نسخ خطی دانشکده حقوق ش ۱۶۹ ج . تالیف آقای دانش زوده .
- ۲- نسخه‌ای از این رساله در جنگ دیگری بنام «دره تجفیه» مجموعه حقوق ۳۶۵ ج که در فهرست کتابخانه حقوق شناسانده شده آمده است . نسخه دیگری در اختیار دکتر فریدون کیمیت است و ما در اینجا از راهنمایی های ایشان درباره این رساله و بدایع نگار سپاسگزار می‌کنیم .
- ۳- آقای دکتر محبوبی اردکانی در یافتن مولف این رسالات ما و فراوان یاری کردند ، متشکرم .
- ۴- این نسخه بدست نیامد . در مقالات آقای منزوی نیز تحت عنوان «تبیخ در گلستان سمدی» مجله وحید سال ۱۳۵۲ نامی از هزار داستان نبود .
- ۵- در مورد او رجوع شود به بامداد ، «شرح حال رجال ایران ...» جلد اول ص ۲۵۰ و «الفرجه» جلد ۶ ص ۱۱۹ .
- ۶- در مورد خانواده نواب «الفرجه» جلد ۱۰ ص ۲۷۰ . این نواب ها حالا بهرانی هستند و نواده های بدایع نگار به ترتیب عبارتند از میرزا احمد دبیر خاتان ، حسین نواب ، فرهاد نواب ، بدایع نگار برادر بزرگتری داشت بنام میرزا بوردک طیبی که قبل از خودش فوت کرد .